توسعه فردی و تحول سازمانی

طراحی الگوی جذب دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز

سمانه عباسی امیرآبادی[1]، سپیده جعفری[2*]، محمد حسین پور[1]

۱. گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: sepideh-jafari@iauahvaz.ac.ir

شیوه استناددهی: عباسی امیرآبادی، سمانه.، جعفری، سپیده.، و حسین پور، محمد. (۱۴۰۶). طراحی الگوی جذب دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز. *توسعه فردی و تحول سازمانی*، ۵(۴)، ۲۰-۱.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگویی جامع و بومی برای جذب و نگهداشت پایدار دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی بود و با استفاده از تحلیل مضمون انجام شد. جامعه مشارکت‌کنندگان شامل مدیران ارشد و اجرایی امور بین‌الملل، معاونان آموزشی، اعضای هیئت‌علمی مرتبط با آموزش بین‌الملل و نمایندگان دانشجویان بین‌المللی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند با حداکثر تنوع و سپس گلوله‌برفی انجام شد و تا دستیابی به اشباع نظری در مصاحبه یازدهم ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با مدت ۴۵ تا ۷۵ دقیقه گردآوری و پس از پیاده‌سازی، بر اساس چارچوب شش‌مرحله‌ای تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل شدند. کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. برای تضمین استحکام داده‌ها، معیارهای قابلیت پذیرش، انتقال‌پذیری، اعتمادپذیری و تأییدپذیری با استفاده از بازبینی اعضا، بازبینی همتایان و مستندسازی ردپای حسابرسی به کار گرفته شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که جذب و نگهداشت پایدار دانشجویان بین‌المللی حاصل تعامل چهار سطح سیستمی و به‌هم‌پیوسته است. در سطح نخست، حکمرانی چابک، پایداری مالی و تسهیل امور کنسولی به‌عنوان پیش‌شرط ورود و تداوم جذب عمل می‌کنند. در سطح دوم، بازاریابی علمی، مدیریت کارگزاران و بهره‌گیری از شبکه فارغ‌التحصیلان موجب تقویت کشش بازار و اعتبار منطقه‌ای دانشگاه می‌شوند. در سطح سوم، حمایت‌های رفاهی، روانی، فرهنگی و سازگاری اقلیمی نقش واسطه‌ای در افزایش ماندگاری و کاهش فرسودگی دانشجویان دارند. در سطح چهارم، تحول برنامه درسی، آموزش فارسی بالینی، ارزشیابی دوزبانه، آموزش مبتنی بر شبیه‌سازی و اعتباربخشی بین‌المللی، هسته تمایزبخش الگو را تشکیل می‌دهند. یافته‌ها همچنین نشان دادند که ضعف هر یک از این سطوح می‌تواند اثربخشی سایر اجزا را کاهش دهد؛ بنابراین، موفقیت پایدار نیازمند هم‌افزایی و بازخورد مستمر میان اجزای الگو است. جذب مؤثر دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های علوم پزشکی را نمی‌توان به تبلیغات، پذیرش اداری یا انگیزه‌های درآمدی محدود کرد، بلکه این فرایند نیازمند یک زیست‌بوم یکپارچه، چندلایه و چرخه‌ای است که حکمرانی، اقتصاد آموزش، دیپلماسی علمی، حمایت‌های رفاهی و کیفیت آموزش بالینی را به‌صورت هم‌زمان پوشش دهد.

کلیدواژگان: الگوی جذب؛ دانشجویان بین‌المللی؛ آموزش پزشکی؛ بین‌المللی‌سازی؛ آموزش بالینی؛ دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز.

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۶

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ آبان ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۱ آبان ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۳ آبان ۱۴۰۵

تاریخ ارسال: ۲۲ تیر ۱۴۰۵

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Designing a Model for Attracting International Students at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences

Samaneh Abbasi Amirabadi[1], Sepideh Jafari[2*], Mohammad Hossein Pour[1]

1. Department of Educational Management, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
2. Department of Educational Governance and Human Capital, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

*Corresponding Author's Email: sepideh-jafari@iauahvaz.ac.ir

How to cite: Abbasi Amirabadi, S., Jafari, S., & Hossein Pour, M. (2027). Designing a Model for Attracting International Students at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. *Personal Development and Organizational Transformation, 5*(4), 1-20.

Abstract

This study aimed to develop a comprehensive and context-specific model for the sustainable recruitment and retention of international students at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. This applied qualitative study was conducted using thematic analysis. Participants included senior and executive managers of international affairs, educational administrators, faculty members involved in international education, and representatives of international students at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. Participants were recruited through purposive maximum-variation sampling followed by snowball sampling, and data collection continued until theoretical saturation was reached at the eleventh interview. Data were collected through in-depth semi-structured interviews lasting approximately 45–75 minutes. Following verbatim transcription, the interviews were analyzed according to Braun and Clarke's six-phase thematic analysis framework, with coding performed using MAXQDA software. The trustworthiness of the qualitative findings was enhanced through credibility, transferability, dependability, and confirmability procedures, including member checking, peer review, and maintenance of a systematic audit trail. The findings indicated that sustainable international student recruitment and retention emerges from the interaction of four interconnected systemic levels. At the foundational level, agile governance, financial sustainability, and streamlined consular procedures function as prerequisites for successful recruitment. At the market-interaction level, scientific marketing, regulated recruitment agents, and alumni networks strengthen institutional attractiveness and regional positioning. At the supportive ecosystem level, welfare services, psychological and cultural support, and adaptation to local climatic conditions facilitate student retention and reduce adjustment-related difficulties. At the academic core, curriculum transformation, integrated clinical Persian-language training, bilingual assessment, simulation-based education, and international accreditation constitute the principal differentiating mechanisms. The findings further suggested that deficiencies in any one layer may undermine the effectiveness of the other components; therefore, sustainable recruitment depends on synergy, reciprocal interaction, and continuous feedback across all levels of the model. International student recruitment in medical universities should be conceptualized as an integrated and multidimensional ecosystem rather than as a predominantly promotional, administrative, or revenue-generating activity.

Keywords: *Recruitment model; International students; Medical education; Internationalization; Clinical education; Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences.*

Submit Date: 13 July 2026
Revise Date: 25 October 2026
Accept Date: 02 November 2026
Initial Publish: 04 November 2026
Final Publish: 23 September 2027

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در دهه‌های اخیر از یک رویکرد تکمیلی و حاشیه‌ای به یکی از مؤلفه‌های راهبردی توسعه دانشگاه‌ها تبدیل شده است. دانشگاه‌ها دیگر صرفاً در چارچوب مرزهای ملی برای جذب دانشجو، تولید دانش و ارتقای اعتبار علمی رقابت نمی‌کنند، بلکه در محیطی جهانی فعالیت دارند که در آن تحرک دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی، دانش، سرمایه علمی و برنامه‌های آموزشی به بخش جدایی‌ناپذیر نظام آموزش عالی بدل شده است. در این میان، جذب دانشجویان بین‌المللی یکی از ملموس‌ترین شاخص‌های بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها به شمار می‌رود و می‌تواند به توسعه دیپلماسی علمی، تنوع فرهنگی، ارتقای کیفیت آموزشی، افزایش تعاملات پژوهشی و ایجاد منابع مالی پایدار کمک کند. با این حال، جذب موفق دانشجویان بین‌المللی صرفاً به افزایش ظرفیت پذیرش یا تبلیغات دانشگاهی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد مجموعه‌ای هماهنگ از سیاست‌ها، زیرساخت‌ها، خدمات، برنامه‌های آموزشی و سازوکارهای حمایتی است که تجربه دانشجو را از مرحله انتخاب دانشگاه تا تحصیل، سازگاری، فارغ‌التحصیلی و حتی ارتباط پس از دانش‌آموختگی پوشش دهد (Chevalier, 2022; Sin et al., 2019).

در فضای رقابتی کنونی آموزش عالی، دانشجویان بین‌المللی هنگام انتخاب دانشگاه و کشور مقصد، مجموعه‌ای پیچیده از عوامل علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی را ارزیابی می‌کنند. کیفیت و اعتبار دانشگاه، رتبه علمی، تنوع برنامه‌های آموزشی، چشم‌انداز اشتغال، هزینه‌های تحصیل و زندگی، امکان دریافت حمایت‌های مالی، کیفیت خدمات دانشجویی، امنیت، محیط اجتماعی، سهولت دریافت روادید و فرصت‌های تعامل فرهنگی از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری تصمیم نهایی آنان نقش دارند. از این منظر، دانشگاهی که صرفاً بر تبلیغات متمرکز باشد اما نتواند در سطح تجربه واقعی دانشجو کیفیت لازم را فراهم کند، در حفظ و تداوم جریان جذب با مشکل مواجه خواهد شد. مطالعات مربوط به راهبردهای بازاریابی آموزش عالی نیز نشان می‌دهند که حضور دیجیتال هدفمند، ارائه اطلاعات شفاف، استفاده از محتوای چندزبانه، بازاریابی مبتنی بر داده، تعامل مستمر با متقاضیان و ارائه تصویری منسجم از مزیت‌های رقابتی دانشگاه از عناصر مهم در جذب دانشجویان خارجی هستند (Chevalier, 2022; Tattersfield, 2022). بنابراین، جذب بین‌المللی را باید فرایندی زنجیره‌ای دانست که بازاریابی تنها یکی از اجزای آن است.

در کنار بازاریابی، برند دانشگاه و نحوه ادراک دانشجویان از اعتبار و هویت آن نقش مهمی در تصمیم‌گیری برای انتخاب مقصد تحصیلی دارد. برند دانشگاه تنها از طریق نام، نشان یا فعالیت‌های تبلیغاتی شکل نمی‌گیرد، بلکه محصول ترکیبی از کیفیت آموزش، تجربه دانشجویی، رضایت، عملکرد فارغ‌التحصیلان، شهرت اعضای هیئت‌علمی و میزان اعتماد دانشجویان به دانشگاه است. در پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده شده است که برندسازی دانشگاه می‌تواند از طریق تقویت رضایت و وفاداری دانشجویان، زمینه جذب و حفظ دانشجویان بین‌المللی را فراهم سازد (Hashemnia & Bagheri Majd, 2020). این موضوع به‌ویژه برای دانشگاه‌هایی که قصد دارند در بازار منطقه‌ای آموزش عالی موقعیت پایداری کسب کنند اهمیت دارد؛ زیرا تجربه مثبت دانشجویان کنونی و فارغ‌التحصیلان می‌تواند به بازاریابی دهان‌به‌دهان، معرفی دانشگاه در کشورهای مبدأ و افزایش اعتماد متقاضیان جدید منجر شود.

با وجود اهمیت مزایای بین‌المللی‌شدن، مطالعات صورت‌گرفته در ایران نشان می‌دهند که جذب دانشجویان بین‌المللی همچنان با موانع ساختاری و اجرایی متعددی روبه‌رو است. پژوهش‌های اولیه در این حوزه مجموعه‌ای از چالش‌های سیاسی، فرهنگی، مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی را به‌عنوان عوامل محدودکننده مطرح کرده‌اند. از جمله، پیچیدگی فرایندهای اداری، محدودیت‌های سیاسی و بین‌المللی، ضعف

برخی زیرساخت‌های دانشگاهی، مشکلات ارتباطی و فرهنگی، کاستی در معرفی ظرفیت‌های دانشگاه‌ها و فقدان هماهنگی میان نهادهای مسئول از موانع مهم جذب دانشجوی خارجی در ایران دانسته شده‌اند (Khorasani & Zamani Manesh, 2012; Shafi Zadeh, 2013). این چالش‌ها نشان می‌دهند که مسئله جذب دانشجوی بین‌المللی تنها در سطح دانشگاه قابل حل نیست و در برخی موارد به تعامل میان سیاست‌های ملی، مقررات مهاجرتی، نظام آموزش عالی و ظرفیت اجرایی دانشگاه‌ها وابسته است.

در ادامه این جریان پژوهشی، مطالعات داخلی بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های جذب و ایجاد یک نظام منسجم‌تر تأکید کرده‌اند. تحلیل وضعیت آموزش عالی ایران نشان داده است که نبود برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه، ضعف در هماهنگی بین‌بخشی، ناکافی بودن خدمات حمایتی، دشواری برخی فرایندهای اداری و محدودیت در رقابت بین‌المللی از جمله عواملی هستند که می‌توانند ظرفیت کشور برای جذب دانشجویان خارجی را کاهش دهند (Fazli Yazd et al., 2019). همچنین، بررسی‌های جدیدتر نشان داده‌اند که مسئله بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران مستلزم توجه همزمان به کیفیت علمی، زیرساخت‌های آموزشی، محیط فرهنگی، خدمات رفاهی، سیاست‌های اقامتی و سازوکارهای اجرایی است و نمی‌توان آن را صرفاً به افزایش تعداد پذیرش‌شدگان تقلیل داد (Eynollahi Masoom, 2024). از این منظر، موفقیت در جذب زمانی معنا پیدا می‌کند که دانشگاه توانایی نگهداشت دانشجو، تأمین رضایت او و ایجاد تجربه‌ای مثبت و قابل توصیه را نیز داشته باشد.

یکی از مسائل مهم در این زمینه، نقش مؤسسات و کارگزاران جذب دانشجوی بین‌المللی است. این کارگزاران می‌توانند در شناسایی بازارهای هدف، برقراری ارتباط با داوطلبان و تسهیل فرایندهای اولیه پذیرش نقش داشته باشند، اما در صورت فقدان نظارت و استانداردهای مشخص، ممکن است زمینه‌ساز اطلاعات نادرست، انتظارات غیرواقعی و حتی آسیب به اعتبار دانشگاه شوند. مطالعات انجام‌شده درباره مؤسسات جذب در ایران نشان داده‌اند که ابهام در ضوابط فعالیت، ضعف نظارت، رقابت ناسالم و مشکلات مربوط به اعتبار و پاسخ‌گویی برخی مؤسسات از چالش‌های قابل توجه این حوزه هستند (Haji Abbasi, 2022). همچنین پیشنهاد شده است که نظام جذب دانشجویان بین‌المللی باید با تنظیم روابط دانشگاه و کارگزاران، ایجاد شفافیت اطلاعاتی، طراحی سازوکار ارزیابی عملکرد و هدایت متقاضیان به مسیرهای رسمی، از وابستگی نامتوازن به واسطه‌های غیررسمی فاصله بگیرد (Haji Abbasi & Parvin, 2023).

در سال‌های اخیر، رویکردهای پژوهشی از تمرکز صرف بر مرحله جذب به سمت بررسی کل تجربه دانشجوی بین‌المللی حرکت کرده‌اند. در این رویکرد، سازگاری اجتماعی و فرهنگی، کیفیت روابط بین‌فردی، احساس تعلق، سلامت روان، تجربه یادگیری و امکان ادغام در محیط دانشگاه از عناصر اصلی موفقیت بین‌المللی‌شدن محسوب می‌شوند. تجربه همه‌گیری کووید-۱۹ نیز نشان داد که دانشجویان بین‌المللی در برابر اختلال در شبکه‌های اجتماعی، محدودیت جابه‌جایی، انزوای فرهنگی و کاهش تعاملات دانشگاهی آسیب‌پذیر هستند و دانشگاه‌ها برای حفظ این گروه نیازمند سازوکارهای فعال حمایت اجتماعی و فرهنگی‌اند (Sin et al., 2025). بنابراین، خدمات پشتیبانی باید فراتر از امور اداری و رفاهی پایه باشد و شامل سازوکارهای جامعه‌پذیری، حمایت روان‌شناختی، تعاملات فرهنگی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی امن نیز شود.

ابعاد روان‌شناختی تجربه تحصیل در محیط بین‌المللی نیز اهمیت روزافزونی یافته‌اند. دانشجویان بین‌المللی ممکن است همزمان با فشارهای تحصیلی با چالش‌هایی نظیر دوری از خانواده، تفاوت‌های فرهنگی، نگرانی‌های مالی، دشواری زبان، ابهام درباره آینده و کاهش حمایت اجتماعی مواجه شوند. مرورهای نظام‌مند نشان داده‌اند که عزت‌نفس و خودارزیابی دانشجویان در محیط بین‌المللی تحت تأثیر تجربه‌های تحصیلی و اجتماعی آنان قرار می‌گیرد و دانشگاه‌ها باید ابعاد هویتی و روانی سازگاری را در طراحی خدمات خود مدنظر قرار دهند (Nguyen

& McGregor, 2026). همچنین شواهد جدید حاکی از آن است که حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی می‌توانند نقش محافظتی مهمی در برابر استرس ادراک‌شده و فرسودگی تحصیلی ایفا کنند (Hu et al., 2026). این یافته‌ها اهمیت ایجاد سامانه‌های مشاوره‌ای، حمایت همتایان و برنامه‌های تقویت سازگاری را در دانشگاه‌های پذیرنده دانشجوی خارجی برجسته می‌سازند.

تجربه دانشجوی بین‌المللی همچنین محدود به محیط کلاس و دانشگاه نیست و ابعاد زندگی روزمره، روابط اجتماعی و خانوادگی را نیز دربرمی‌گیرد. مطالعات کیفی نشان داده‌اند که دانشجویان بین‌المللی در جریان زندگی در کشور میزبان ناگزیر از مذاکره مستمر میان هویت، فرهنگ مبدأ، انتظارات اجتماعی و الگوهای ارتباطی جدید هستند و روابط نزدیک آنان نیز تحت تأثیر این فرایند فرامرزی قرار می‌گیرد (Raja & Yang, 2025). چنین شواهدی نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها در طراحی الگوی جذب و نگهداشت باید دانشجو را صرفاً به‌عنوان «فراگیر» در نظر نگیرند، بلکه او را فردی با نیازهای فرهنگی، اجتماعی، عاطفی و زیستی بدانند که کیفیت تجربه خارج از کلاس نیز بر ماندگاری، رضایت و عملکرد تحصیلی وی اثر می‌گذارد.

در سطح آموزشی نیز تفاوت‌های میان نظام‌های آموزشی و الگوهای یادگیری می‌تواند موجب دشواری‌هایی برای دانشجویان بین‌المللی شود. برای نمونه، برخی دانشجویان در مواجهه با روش‌های آموزشی مبتنی بر مشارکت، تحلیل، تفکر انتقادی و استقلال یادگیرنده با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند، به‌ویژه هنگامی که پیشینه تحصیلی آنان بر یادگیری حافظه‌محور یا انتقال یک‌سویه دانش تأکید داشته باشد. بررسی چالش‌های دانشجویان بین‌المللی نشان داده است که توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی نیازمند حمایت آموزشی هدفمند، آشنایی با انتظارات دانشگاهی و فراهم‌کردن فرصت‌های تمرین در محیطی حمایتی است (Jaffar, 2025). در رشته‌های علوم پزشکی، این مسئله پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا دانشجویان باید علاوه بر دانش نظری، مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، ارتباط حرفه‌ای و قضاوت بالینی را نیز کسب کنند.

پیوند میان طراحی برنامه آموزشی و پیامدهای حرفه‌ای نیز یکی دیگر از ابعاد کلیدی در بین‌المللی‌سازی آموزش است. برنامه‌های آموزشی زمانی برای دانشجویان خارجی جذاب و ارزشمند هستند که علاوه بر اعتبار علمی، قابلیت انتقال به بازار کار، نیازهای حرفه‌ای و الزامات کشور مبدأ را نیز داشته باشند. مرورهای جدید درباره طراحی برنامه‌های آموزشی و پیامدهای اشتغال نشان می‌دهند که هماهنگی میان محتوای آموزشی، مهارت‌های کاربردی، نیازهای بازار کار و سازوکارهای انتقال از تحصیل به اشتغال، نقش مهمی در اثربخشی برنامه‌های آموزشی دارد (Kharel et al., 2026). این موضوع در آموزش پزشکی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا فارغ‌التحصیلان ممکن است برای بازگشت به کشور خود یا فعالیت در نظام‌های سلامت دیگر، نیازمند انطباق با استانداردهای حرفه‌ای، آزمون‌های صلاحیت و الزامات اعتباربخشی متفاوت باشند.

ویژگی خاص آموزش علوم پزشکی، حضور آموزش بالینی و تعامل مستقیم با بیمار است. به همین دلیل، بین‌المللی‌سازی در این حوزه نمی‌تواند صرفاً بر پذیرش و آموزش نظری متمرکز باشد. دانشجوی بین‌المللی باید بتواند در محیط‌های بیمارستانی با بیمار، خانواده بیمار، اعضای تیم درمان و استادان ارتباط مؤثر برقرار کند. تسلط ناکافی به زبان جامعه میزبان، تفاوت در الگوهای ارتباطی، عدم شناخت هنجارهای فرهنگی و دشواری در فهم اصطلاحات بالینی می‌تواند هم کیفیت یادگیری را کاهش دهد و هم به حاشیه‌نشینی دانشجو در محیط بالین منجر شود. مطالعات مربوط به دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های ایران نیز وجود چالش‌های آموزشی، اداری، فرهنگی، ارتباطی و اجتماعی را گزارش کرده‌اند و بر ضرورت طراحی حمایت‌های متناسب با نیازهای واقعی این گروه تأکید داشته‌اند (Jafari, 2025). بنابراین، در

دانشگاه‌های علوم پزشکی، آموزش زبان تخصصی و بالینی، آمادگی فرهنگی و سازوکارهای حمایت در محیط بیمارستانی باید از عناصر اصلی برنامه بین‌المللی‌سازی باشند.

علاوه بر کیفیت آموزشی، توانایی دانشگاه در ایجاد محیطی شفاف، پاسخ‌گو و قابل اعتماد یکی از پیش‌شرط‌های مهم موفقیت است. پژوهش‌های انجام‌شده در دانشگاه‌های ایرانی نشان می‌دهند که دانشجویان و متخصصان آموزش عالی، افزایش جذب بین‌المللی را نیازمند بازاندیشی در فرایندهای اجرایی، تقویت زیرساخت‌ها، بهبود خدمات، ارتقای کیفیت آموزشی و ایجاد هماهنگی بیشتر میان بخش‌های مختلف دانشگاه می‌دانند (Pour Atashi & Zamani, 2024). از این منظر، فرایند جذب نباید با صدور پذیرش خاتمه یابد؛ بلکه دانشگاه باید بتواند مجموعه‌ای پیوسته از خدمات شامل راهنمایی پیش از ورود، پذیرش، امور اقامتی، اسکان، آموزش، پشتیبانی فرهنگی، ارتباطات دانشجویی و خدمات پس از فارغ‌التحصیلی را ارائه دهد.

تجربه دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که بین‌المللی‌شدن واقعی نیازمند تحول داخلی دانشگاه است. مطالعه راهبردهای مؤسسات آموزش عالی برای جذب دانشجویان خارجی نشان داده است که افزایش حضور بین‌المللی، در صورتی که تنها به تغییر ظاهر تبلیغاتی یا افزایش فعالیت‌های بازاریابی محدود شود، لزوماً به بین‌المللی‌شدن واقعی منجر نمی‌شود؛ بلکه سازمان باید ساختار، فرهنگ، برنامه‌های آموزشی و خدمات خود را با نیازهای جمعیت بین‌المللی سازگار کند (Sin et al., 2019). به بیان دیگر، جذب دانشجو باید با ظرفیت نهادی برای ارائه تجربه‌ای باکیفیت و پایدار متناسب باشد؛ در غیر این صورت افزایش تعداد دانشجویان می‌تواند خود به منبع فشار بر زیرساخت‌ها و کاهش رضایت تبدیل شود.

تحولات جدید آموزش عالی همچنین نشان می‌دهد که جذب دانشجویان خارجی باید با نگاه بلندمدت به کیفیت سرمایه انسانی همراه باشد. دانشگاه‌هایی که دانشجوی بین‌المللی را صرفاً به‌عنوان منبع درآمد در نظر می‌گیرند، ممکن است در کوتاه‌مدت از افزایش پذیرش بهره‌مند شوند، اما در بلندمدت با مسائل مربوط به افت کیفیت، کاهش اعتبار و نارضایتی دانشجویان مواجه شوند. از سوی دیگر، دانشگاه‌هایی که بین‌المللی‌شدن را بخشی از مأموریت علمی خود تلقی می‌کنند، به کیفیت ورودی‌ها، تناسب برنامه آموزشی، حمایت از موفقیت تحصیلی، اشتغال‌پذیری و ارتباط بلندمدت با فارغ‌التحصیلان توجه بیشتری دارند. در این زمینه، طراحی سیاست‌های جذب باید با اهداف آموزشی، ظرفیت‌های دانشگاه و نیازهای بازارهای هدف هماهنگ باشد و از رویکردهای واکنشی و کوتاه‌مدت فاصله گیرد (Eynollahi Masoom, 2024; Pour Atashi & Zamani, 2024).

در ایران، این ضرورت با توجه به موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و منطقه‌ای کشور اهمیت مضاعفی دارد. نزدیکی جغرافیایی به کشورهای متعدد، اشتراکات فرهنگی و زبانی با برخی جوامع منطقه، ظرفیت‌های گسترده دانشگاهی و وجود رشته‌های تخصصی می‌تواند فرصت مناسبی برای توسعه بازار آموزش بین‌المللی ایجاد کند. با این حال، بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها نیازمند کاهش موانع سیاسی و فرهنگی، بهبود خدمات اداری، حرفه‌ای‌سازی بازاریابی، تنظیم فعالیت کارگزاران و ایجاد تجربه مطلوب دانشجویی است (Fazli Yazd et al., 2019; Haji Abbasi & Parvin, 2023; Khorasani & Zamani Manesh, 2012). همچنین، سیاست‌گذاری در این حوزه باید از الگوهای عمومی فراتر رود و تفاوت‌های میان دانشگاه‌ها از نظر رشته، موقعیت جغرافیایی، زیرساخت و بازار هدف را در نظر گیرد.

دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز در این میان دارای شرایط ویژه‌ای است. ماهیت پزشکی دانشگاه، موقعیت جغرافیایی آن در جنوب‌غرب ایران و نزدیکی نسبی به کشورهای منطقه، فرصت‌هایی برای جذب دانشجویان بین‌المللی فراهم می‌کند؛ اما در عین حال، مقتضیات

آموزش بالینی، شرایط محیطی و اقلیمی، نیاز به خدمات رفاهی و اقامتی مناسب، الزامات ارتباط زبانی با بیماران و ضرورت حفظ استانداردهای حرفه‌ای و ایمنی بیمار، فرایند جذب و نگهداشت را پیچیده‌تر می‌سازد. از این رو، استفاده از الگوهای عمومی بازاریابی دانشجو برای چنین دانشگاهی کافی نیست و یک مدل بومی باید همزمان ابعاد سیاست‌گذاری، اجرایی، اقتصادی، آموزشی، بالینی، فرهنگی و رفاهی را پوشش دهد.

در کنار این ملاحظات، یافته‌های جدید در حوزه دانشجویان بین‌المللی نشان می‌دهد که موفقیت نظام جذب باید با شاخص‌هایی فراتر از تعداد پذیرش‌ها سنجیده شود. کیفیت سازگاری اجتماعی، سلامت روان، تاب‌آوری، میزان مشارکت آموزشی، توانایی تفکر انتقادی، قابلیت اشتغال، رضایت از تجربه دانشگاه و تمایل به توصیه دانشگاه به دیگران همگی می‌توانند به‌عنوان پیامدهای مهم بین‌المللی‌شدن در نظر گرفته شوند (Hu et al., 2026; Jaffar, 2025; Kharel et al., 2026; Nguyen & McGregor, 2026). در همین راستا، توجه به زندگی اجتماعی و فرامرزی دانشجویان و نحوه تعامل آنها با جامعه میزبان نیز بخشی از فرایند سازگاری و ماندگاری محسوب می‌شود (Raja & Yang, 2025). بنابراین، الگوی مطلوب جذب باید نه‌تنها ورودی سیستم، بلکه کل مسیر تجربه دانشجو را در نظر بگیرد.

برآیند مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه هر یک از پژوهش‌ها بخشی از مسئله را روشن کرده‌اند، همچنان خلأ یک چارچوب منسجم، چندلایه و متناسب با ویژگی‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی احساس می‌شود. برخی مطالعات بر موانع سیاسی و فرهنگی تأکید کرده‌اند (Khorasani & Zamani Manesh, 2012)، برخی بر چالش‌های ساختاری و راهبردهای جذب تمرکز داشته‌اند (Fazli Yazd et al., 2019; Shafi Zadeh, 2013)، شماری نقش برند و بازاریابی را برجسته کرده‌اند (Hashemnia & Bagheri Majd, 2020; Haji Abbasi, 2022; Haji Abbasi & Tattersfield, 2022)، برخی به کارگزاران جذب و سازوکارهای اجرایی پرداخته‌اند (Jafari, 2025; Sin et al., 2025) و مطالعات جدیدتر اهمیت حمایت روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند (Parvin, 2023). در سطح بین‌المللی نیز بر ضرورت گذار از تبلیغات بیرونی به تحول درونی دانشگاه و طراحی تجربه جامع دانشجوی بین‌المللی تأکید شده است (Chevalier, 2022; Sin et al., 2019). با این حال، تلفیق این مؤلفه‌ها در قالب مدلی واحد که شرایط ویژه آموزش پزشکی، ارتباط بالینی، زبان، خدمات کنسولی، محیط فرهنگی، رفاه دانشجویی، بازاریابی و سیاست‌گذاری را همزمان در سطح یک دانشگاه علوم پزشکی منطقه‌ای پوشش دهد، همچنان نیازمند پژوهش است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی جامع جذب و نگهداشت دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز انجام شد.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی بنیادین و با هدف طراحی الگوی جذب و نگهداشت دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز انجام شد. جامعه پژوهش شامل مدیران ارشد و اجرایی امور بین‌الملل، معاونان آموزشی، اعضای هیئت‌علمی درگیر در آموزش بین‌الملل و نمایندگان دانشجویان بین‌المللی بودند. نمونه‌گیری به روش هدفمند با حداکثر تنوع و سپس گلوله‌برفی انجام شد و تا دستیابی به اشباع نظری داده‌ها (مصاحبه یازدهم) استمرار یافت.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد مشارکت کننده	رده سازمانی/جایگاه تخصصی	مرتبه علمی/وضعیت	سابقه اجرایی/تحصیلی(سال)	حوزه تخصصی مرتبط
P۱	معاون پیشین امور بین‌الملل دانشگاه	دانشیار	۱۸	سیاست‌گذاری آموزش پزشکی و دیپلماسی سلامت
P۲	مدیر اجرایی امور بین‌الملل دانشگاه	استادیار	۱۱	مدیریت آموزش بین‌الملل و فرایندهای پذیرش
P۳	رئیس پیشین دانشکده پزشکی	استاد	۲۲	آموزش بالینی و اعتباربخشی بیمارستانی
P۴	معاون آموزشی دانشکده دندان‌پزشکی	دانشیار	۱۴	برنامه‌ریزی درسی و ارزیابی صلاحیت‌های عملی
P۵	مدیر گروه زبان تخصصی و آموزش فارسی	استادیار	۱۲	آموزش زبان تخصصی و فارسی در بالین
P۶	مدیر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه	دانشیار	۱۶	قوانین آموزشی، معادل‌سازی و امور کنسولی
P۷	مدیر امور مالی و بودجه معاونت بین‌الملل	کارشناس ارشد	۱۳	اقتصاد آموزش عالی و مبادلات ارزی
P۸	عضو هیئت‌علمی بالینی (گروه جراحی)	استاد	۱۹	منتورینگ بالینی و آموزش بیمارستانی دانشجویان خارجی
P۹	مسئول امور رفاهی و اسکان دانشجویان خارجی	کارشناس ارشد	۹	اسکان، تسهیلات رفاهی و تطبیق محیطی
P۱۰	دانشجوی سال آخر پزشکی عمومی (تبعه عراق)	اینترن	۶	تجربه زیسته آموزش بالینی و یادگیری زبان
P۱۱	دانشجوی دستیاری تخصصی (تبعه پاکستان)	رزیدنت	۵	تجربه زیسته تطبیق اقلیمی، ارزشیابی و ضوابط کنسولی

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با میانگین زمان ۴۵ الی ۷۵ دقیقه بود که پس از ضبط و پیاده‌سازی موبه‌مو، بر مبنای چارچوب ۶ مرحله‌ای تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) مورد تحلیل قرار گرفت. کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA پیاده‌سازی شد. جهت اعتباریابی و صیانت از معیارهای استحکام پژوهش کیفی (قابلیت پذیرش، انتقال‌پذیری، اعتمادپذیری و تأییدپذیری بر مبنای گوبا و لینکلن)، بازبینی توسط اعضا بر روی ۴ متن پیاده‌شده، بازبینی همتایان صاحب‌نظر در حوزه روش کیفی، و مستندسازی دقیق ردپای حسابرسی تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد.

یافته‌ها

تحلیل محتوای مصاحبه‌ها به استخراج کدهای اولیه و صورت‌بندی ۱۰ تم اصلی و ۳۰ تم فرعی منجر شد که پیرامون مقوله محوری «الگوی جذب و نگهداشت پایدار دانشجویان بین‌المللی» سازمان‌دهی شدند (جدول ۲).

جدول ۲. ساختار کدگذاری مضامین الگوی جذب و نگهداشت پایدار دانشجویان بین‌المللی

ردیف	تم اصلی(مقوله محوری)	تم های فرعی	شاخص های کلیدی و کدهای نماینده
۱	حکمرانی، سیاست‌گذاری و مدیریت اجرایی بین‌الملل	بازطراحی ساختار سازمانی و تفویض اختیار؛ یکپارچه‌سازی خدمات و پذیرش (پنجره واحد)؛ گذار از جذب واکنشی به راهبردی	فقدان نقشه راه جامع بین‌المللی‌سازی، مدیریت جزیره‌ای و پراکندگی وظایف میان معاونت‌ها، غلبه جذب انفعالی بر برنامه‌ریزی هدفمند، اتلاف زمان در بوروکراسی اداری و ضرورت اعطای اختیارات تصمیم‌گیری به ساختار بین‌الملل دانشگاه.
۲	بازاریابی علمی، برندینگ و مدیریت کارگزاران	بخش‌بندی بازارهای هدف منطقه‌ای؛ سامان‌دهی و نظارت بر کارگزاران جذب؛ هویت‌بخشی و برندینگ بین‌المللی دانشگاه	وابستگی نامتوازن به بازارهای سنتی همسایه، فعالیت واسطه‌های غیررسمی و غیرپاسخ‌گو، ضعف در معرفی دیجیتال مزیت‌های علمی به زبان‌های بین‌المللی، ضرورت رتبه‌بندی کارگزاران رسمی و بهره‌گیری از تبلیغات ارگانیک دهان‌به‌دهان.
۳	تحول برنامه درسی و تطبیق پداگوژیک	انعطاف‌پذیری و بومی‌سازی کوریکولوم‌ها؛ تنوع‌بخشی به برنامه‌های آموزشی ویژه بین‌الملل؛ روزآمدسازی محتوای آموزشی متناسب با بار بیماری‌ها	انعطاف‌ناپذیری کوریکولوم‌های متمرکز کشوری، غفلت از اپیدمیولوژی و نظام سلامت کشورهای مبدأ، ریسک ناتوانی فارغ‌التحصیل در آزمون‌های لایسنسینگ ملی کشور مبدأ و ضرورت توسعه دوره‌های کوتاه‌مدت، مهارت‌آموزی و فلوشیپ‌های تطبیقی.
۴	آموزش زبان تخصصی و پل ارتباطی بالینی	حل تعارض زبانی آموزش (انگلیسی/فارسی/گویش‌ها)؛ ادغام آموزش زبان فارسی بالینی از بدو ورود؛ ارتقای مهارت‌های ارتباطی با بیمار و تیم درمان	پدیده گسست زبانی در گذار از علوم پایه به محیط‌های بیمارستانی، ناکارآمدی کلاس‌های عمومی و منفصل زبان فارسی، اصطکاک کلامی با لهجه‌های محلی در مرحله اخذ شرح‌حال، انزوای آموزشی دانشجو و ضرورت طراحی دوره‌های ادغام‌یافته «فارسی بالینی تخصصی».
۵	کیفیت آموزش بالینی و نوآوری در ارزشیابی	گذار به روش‌های یادگیری فعال؛ ارتقای نقش شبیه‌سازی و مراکز مهارت‌های بالینی؛ استانداردسازی و دوزبانه‌سازی سنجش‌های بالینی	دلزدگی دانشجو از شیوه‌های سنتی سخنرانی‌محور، اتکای صرف به آزمون‌های کتبی چندگزینه‌ای، ضرورت طراحی ایستگاه‌های دوزبانه در آزمون صلاحیت بالینی، به‌کارگیری بیمارنماهای استاندارد و صیانت سخت‌گیرانه از ایمنی بیمار.
۶	اعتباربخشی بین‌المللی و مرجعیت مدرک	اخذ و تمدید اعتبارهای نهادی جهانی؛ حفظ ثبت در بانک‌های اطلاعاتی مرجع؛ تأیید مدارک در مراجع ذی‌صلاح کشورهای مبدأ	تبدیل اعتباربخشی فدراسیون جهانی آموزش پزشکی به شرط بقا در جذب دانشجو، الزام مراجع بین‌المللی به اعتبارسنجی نهادی، ریسک تعلیق صلاحیت مدرک توسط وزارتخانه‌های بهداشت کشورهای هدف و کارکرد اعتبار نهادی در جذب متقاضیان مستعد.
۷	اقتصاد آموزش، مدیریت مالی و مبادلات ارزی	تعرفه‌گذاری پویا و رقابت‌پذیر شهریه؛ گشایش کانال‌های مالی و پرداخت امن بین‌المللی؛ ایجاد درآمد پایدار و شفافیت در بازتوزیع منابع	موانع ناشی از تحریم‌های بانکی در واریز مستقیم شهریه، نوسانات ارزی و دشواری تثبیت مبالغ دریافتی، نیاز به به‌کارگیری صرافی‌های معتمد و ابزارهای پرداخت جایگزین، محاسبه بهای تمام‌شده تربیت دانشجو و بازتخصیص شفاف درآمدها به توسعه زیرساخت‌ها.
۸	پشتیبانی زیستی، رفاه و انطباق اقلیمی-فرهنگی	توسعه زیرساخت‌های اسکان و خدمات رفاهی زیست‌محور؛ تاب‌آوری در برابر شرایط اقلیمی خوزستان؛ حمایت‌های روانی، فرهنگی و تسهیل جامعه‌پذیری	محدودیت فضاهای استاندارد اقامتی ویژه متقاضیان خارجی، چالش تابستان‌های فوق‌گرم و پدیده ریزگردها در سازگاری زیستی، نیاز به خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی چندزبانه، برنامه‌های منتورینگ فرهنگی و سامان‌دهی تغذیه متناسب با فرهنگ‌های گوناگون.
۹	تسهیلات کنسولی، امنیت حمایتی و امور اقامت	تسریع فرایندهای روادید و صدور پروانه اقامت؛ تغییر رویکرد حفاظتی به امنیت نرم و حمایتی؛	بوروکراسی زمان‌بر صدور، تمدید و روادید خروج و مراجعت، ضرورت استقرار کارشناس کنسولی مقیم در دانشگاه، رویکرد مراقبتی و محترمانه در صیانت از

		پیشگیری از سوءاستفاده‌های حقوقی و مالی واسطه‌ها	دانشجویان، پیشگیری از کلاهبرداری دلالان و ایجاد بستری امن برای تعاملات اجتماعی-حقوقی دانشجو.
۱۰	سرمایه اجتماعی، شبکه فارغ‌التحصیلان و دیپلماسی سلامت	شبکه‌سازی میان دانش‌آموختگان خارجی؛ بهره‌گیری از فارغ‌التحصیلان به عنوان سفیران برند؛ گسترش همکاری‌های آکادمیک و سلامت بین‌مرزی	قطع پیوندهای سازمانی پس از فراغت از تحصیل، ضعف در پاسخ‌گویی به استعلامات اصالت مدرک، ضرورت راه‌اندازی کانون رسمی بین‌المللی فارغ‌التحصیلان، ایفای نقش دانش‌آموختگان در دیپلماسی سلامت منطقه‌ای و توسعه چرخه بازاریابی ارگانیک.

در کدگذاری انتخابی، تم‌های ده‌گانه در چهار سطح سیستمی و سلسله‌مراتبی سازمان یافتند (جدول ۳):

جدول ۳. ماتریس ساختاری سطوح سیستمی الگوی

سطح سیستمی الگو	تم های محوری پیوند یافته	دلالت های کارکردی در تحقق مقوله هسته	برون داد راهبردی لایه
لایه ۱: پیش‌ران‌ها و بسترسازها (حکمرانی، زیرساخت و امنیت)	تم ۱ (حکمرانی و مدیریت)؛ تم ۷ (اقتصاد آموزش و مالی)؛ تم ۹ (تسهیلات کنسولی و اقامت)	این لایه زیربنای سازمانی الگو را شکل می‌دهد. روان‌سازی بوروکراسی از طریق پنجره واحد، حل انسدادهای مبادلات ارزی در شرایط تحریم و تبدیل نگاه سخت‌گیرانه اداری به امنیت نرم و حمایتی، پیش‌شرط قطعی شروع فرایند جذب است؛ به‌گونه‌ای که بدون آن، متقاضی در مراحل آغازین دچار انصراف می‌شود.	استقرار نظام اداری چابک، پایداری جریان مالی و ایجاد امنیت روانی و حقوقی برای داوطلبان.
لایه ۲: تعامل با بازار و کشش‌پذیری (تصویرسازی و پیوند برون‌مرزی)	تم ۲ (بازاریابی علمی و کارگزاران)؛ تم ۱۰ (شبکه فارغ‌التحصیلان و دیپلماسی سلامت)	دانشگاه برای خروج از اتکای انفعالی به دلالان غیررسمی، نیازمند نظام‌مندسازی واسطه‌های جذب، تبلیغات دیجیتال چندزبانه مبتنی بر مزیت‌های رقابتی، و فعال‌سازی ظرفیت فارغ‌التحصیلان به عنوان سفیران دانشگاهی در منطقه جهت تنوع‌بخشی به ملیت‌ها و ارتقای کیفیت ورودی‌هاست.	اصلاح جایگاه برند دانشگاه در سطح منطقه، تنوع ملیتی و ایجاد سازوکار جذب ارگانیک متقاضیان مستعد.
لایه ۳: زیست‌بوم حمایتی و رفاهی (انطباق‌پذیری محیطی و زیستی)	تم ۸ (پشتیبانی زیستی، رفاه و اقلیم)	موقعیت جغرافیایی ویژه خوزستان و اقلیم گرمسیری در کنار چالش‌های سازگاری فرهنگی، ریسک عمده فرسودگی و افت انگیزه تحصیلی به شمار می‌رود. تأمین فضاهای اقامتی باکیفیت و خدمات پشتیبانی روان‌شناختی-فرهنگی، ضامن ماندگاری و انطباق روانی دانشجو در محیط میزبان است.	ارتقای تاب‌آوری اقلیمی، کاهش شوک فرهنگی و افزایش رضایتمندی از سبک زندگی دانشجویی.
لایه ۴: هسته تمایزبخش آکادمیک (کیفیت پداگوژیک و مرجعیت علمی)	تم ۳ (تحول برنامه درسی)؛ تم ۴ (آموزش زبان و پل بالینی)؛ تم ۵ (کیفیت آموزش و ارزشیابی بالینی)؛ تم ۶ (اعتباربخشی بین‌المللی مدرک)	این لایه قلب الگو و وجه تمایز آموزش علوم پزشکی از سایر حوزه‌هاست. رفع تعارض زبانی از طریق «فارسی بالینی تخصصی»، اجرای شیوه‌های نوین تدریس فعال و شبیه‌سازی، ارزیابی دوزبانه بالینی و حفظ اعتبارنامه‌های بین‌المللی، شرط اساسی موفقیت حرفه‌ای دانش‌آموخته و تضمین ایمنی سلامت است.	ارتقای صلاحیت بالینی فارغ‌التحصیلان، صیانت از اعتبار مدارک در مراجع جهانی و حفظ ایمنی بیمار.

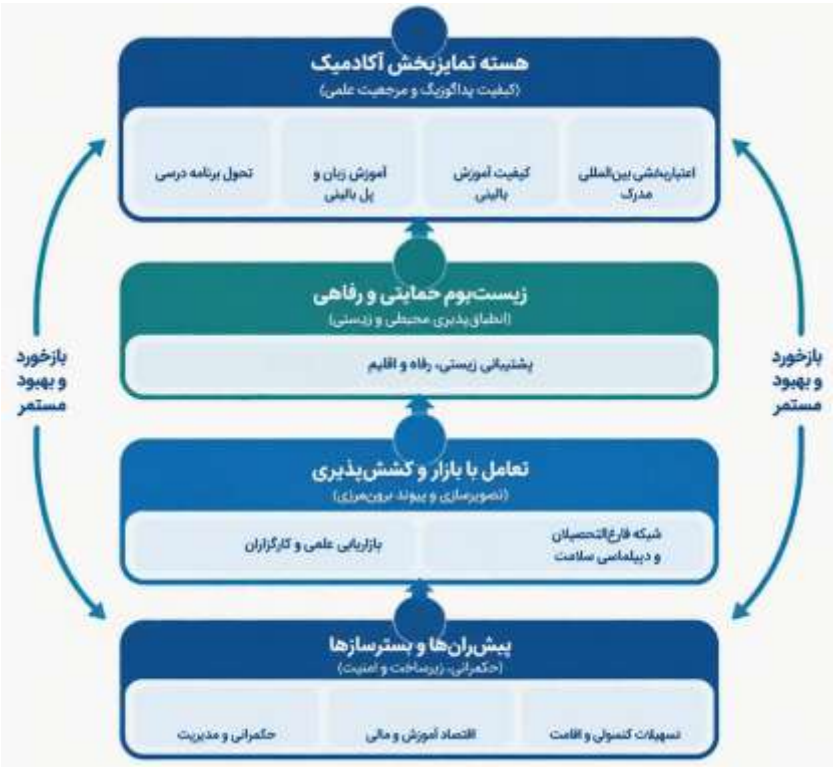

شکل ۱. الگوی سیستمی جذب دانشجویان بین المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

این الگو، تم‌های ده‌گانه پژوهش را در چهار لایه سیستمی و به‌هم‌پیوسته سازمان می‌دهد. لایه نخست، «پیش‌ران‌ها و بسترسازها»، با فراهم‌کردن حکمرانی و مدیریت کارآمد، پایداری مالی و تسهیل امور کنسولی و اقامتی، زیرساخت لازم برای آغاز فرایند جذب را فراهم می‌سازد. در ادامه، لایه «تعامل با بازار و کشش‌پذیری» از طریق بازاریابی علمی، سامان‌دهی کارگزاران و بهره‌گیری از شبکه فارغ‌التحصیلان و ظرفیت دیپلماسی سلامت، به تقویت ارتباط دانشگاه با بازارهای هدف کمک می‌کند. لایه «زیست‌بوم حمایتی و رفاهی» نیز با توجه به نیازهای زیستی، رفاهی و اقلیمی دانشجویان، بر سازگاری و ماندگاری آنان در محیط میزبان تمرکز دارد. در نهایت، «هسته تمایزبخش آکادمیک» با تأکید بر تحول برنامه درسی، آموزش زبان و ایجاد پل بالینی، کیفیت آموزش بالینی و اعتباربخشی بین‌المللی مدرک، کیفیت تجربه آموزشی و صلاحیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان را پشتیبانی می‌کند. پیکان‌های میان لایه‌ها بیانگر ارتباط و اثرگذاری متقابل اجزای الگو هستند و پیکان‌های جانبی، بر ضرورت بازخوردگیری و بهبود مستمر در کل نظام جذب و نگهداشت دلالت دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی جذب و نگهداشت دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز انجام شد و یافته‌ها نشان داد که این فرایند ماهیتی چندبعدی، سیستمی و به‌هم‌پیوسته دارد. تحلیل داده‌های کیفی به شناسایی ۱۰ تم اصلی و ۳۰ تم فرعی منجر شد که در چهار لایه کلی شامل «پیش‌ران‌ها و بسترسازها»، «تعامل با بازار و کشش‌پذیری»، «زیست‌بوم حمایتی و رفاهی» و «هسته تمایزبخش آکادمیک» سازمان یافتند. در لایه نخست، حکمرانی و مدیریت اجرایی، اقتصاد آموزش و مدیریت مالی، و تسهیلات کنسولی و اقامتی به‌عنوان زیرساخت‌های بنیادی جذب شناسایی شدند. لایه دوم بر بازاریابی علمی، برندینگ، سامان‌دهی کارگزاران، شبکه فارغ‌التحصیلان و دیپلماسی سلامت تأکید داشت. لایه سوم متوجه خدمات رفاهی، سازگاری فرهنگی و اقلیمی و حمایت‌های اجتماعی و روان‌شناختی بود و

لایه چهارم، به‌عنوان هسته اصلی الگو، تحول برنامه درسی، آموزش زبان بالینی، کیفیت آموزش و ارزشیابی بالینی و اعتباربخشی بین‌المللی را دربر می‌گرفت. این ساختار نشان می‌دهد که جذب دانشجوی بین‌المللی را نمی‌توان یک اقدام منفرد یا صرفاً اداری تلقی کرد، بلکه موفقیت آن به هماهنگی میان مجموعه‌ای از عوامل سازمانی، مالی، آموزشی، فرهنگی و بین‌المللی وابسته است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش بنیادین حکمرانی منسجم و مدیریت یکپارچه در موفقیت فرایند جذب بود. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که پراکندگی مسئولیت‌ها، بوروکراسی اداری، فقدان هماهنگی میان واحدهای مرتبط و محدود بودن اختیارات ساختار بین‌الملل می‌تواند انگیزه متقاضی را حتی پیش از ورود به دانشگاه کاهش دهد. این یافته با مطالعات داخلی همسو است که ضعف ساختارهای هماهنگ، پیچیدگی فرایندهای اداری و فقدان سیاست منسجم را از مهم‌ترین موانع جذب دانشجوی خارجی در ایران دانسته‌اند (Fazli Yazd et al., 2019; Khorasani & Zamani Manesh, 2012; Shafi Zadeh, 2013). همچنین، مطالعه Eynollahi Masoom بر این نکته تأکید دارد که توسعه واقعی آموزش بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران مستلزم فراهم‌سازی پیش‌نیازهای ساختاری و مدیریتی و بازنگری در فرایندهای اجرایی است (Eynollahi Masoom, 2024). بنابراین، استقرار «پنجره واحد خدمات بین‌الملل» که در یافته‌های این پژوهش برجسته شد، می‌تواند به کاهش اصطکاک اداری، افزایش سرعت پاسخ‌گویی و شکل‌گیری تجربه‌ای منسجم برای دانشجوی خارجی کمک کند.

در همین لایه، مسائل مالی و مبادلات ارزی نیز به‌عنوان یکی از نقاط حساس الگو شناسایی شد. نوسانات ارزی، دشواری انتقال شهریه، نبود کانال‌های پرداخت امن و ابهام در هزینه‌های تحصیل می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری متقاضیان را مختل کند. این یافته با دیدگاه Chevalier همسو است که هزینه تحصیل، هزینه زندگی و بازده مورد انتظار از سرمایه‌گذاری آموزشی را از عوامل اصلی تصمیم دانشجوی بین‌المللی در انتخاب مقصد می‌داند (Chevalier, 2022). در مطالعات داخلی نیز بر نقش شفافیت مالی، هزینه‌های قابل پیش‌بینی و تسهیل سازوکارهای پرداخت در افزایش ظرفیت جذب تأکید شده است (Haji Abbasi & Parvin, 2023; Pour Atashi & Zamani, 2024). از این رو، در الگوی حاضر، اقتصاد آموزش نه صرفاً یک موضوع درآمدی، بلکه بخشی از تجربه اعتمادسازی و پیش‌بینی‌پذیری برای دانشجوی خارجی تلقی می‌شود.

یافته مهم دیگر، ضرورت اصلاح و تسهیل امور کنسولی و اقامتی بود. زمان‌بر بودن صدور و تمدید مجوزها، ابهام در فرایندهای قانونی و احساس نااطمینانی می‌تواند به تضعیف امنیت روانی دانشجوی بین‌المللی منجر شود. در مطالعات پیشین نیز موانع سیاسی، مقرراتی و اداری به‌عنوان بخشی از چالش‌های اصلی جذب دانشجوی خارجی در ایران مطرح شده‌اند (Fazli Yazd et al., 2019; Khorasani & Zamani Manesh, 2012). این یافته همچنین با دیدگاه‌هایی همسو است که نشان می‌دهند تجربه بین‌المللی دانشجو تنها تحت تأثیر کیفیت دانشگاه نیست، بلکه تعامل او با نظام‌های اداری، اقامتی و اجتماعی کشور میزبان نیز می‌تواند بر رضایت، ادراک امنیت و تصمیم به ادامه تحصیل اثر بگذارد (Sin et al., 2019). بنابراین، رویکرد پیشنهادی پژوهش مبنی بر گذار از کنترل اداری صرف به «امنیت حمایتی» می‌تواند در افزایش اعتماد و ماندگاری دانشجویان نقش داشته باشد.

در لایه دوم الگو، یافته‌ها نشان داد که بازاریابی علمی و برندسازی دانشگاه باید به‌صورت هدفمند، چندزبانه و مبتنی بر مزیت‌های واقعی دانشگاه انجام شود. ضعف معرفی دیجیتال، اتکای زیاد به واسطه‌ها و عدم تفکیک بازارهای هدف از مهم‌ترین چالش‌های مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان بود. این یافته با مطالعات حوزه بازاریابی آموزش عالی همخوان است. Tattersfield بر نقش محتوای دیجیتال هدفمند،

ارتباط مستمر با متقاضی، شبکه‌های اجتماعی، بازاریابی داده‌محور و معرفی مزیت‌های دانشگاه در جذب دانشجویان بین‌المللی تأکید کرده است (Tattersfield, 2022). همچنین، Hashemnia و Bagheri Majd نشان داده‌اند که برند دانشگاه می‌تواند از مسیر افزایش رضایت و وفاداری، بر جذب دانشجویان بین‌المللی اثرگذار باشد (Hashemnia & Bagheri Majd, 2020). در همین راستا، Sin و همکاران نیز نشان داده‌اند که راهبرد جذب زمانی پایدار است که دانشگاه علاوه بر ظاهر بین‌المللی، تحولات داخلی واقعی در کیفیت خدمات و فرهنگ سازمانی ایجاد کند (Sin et al., 2019). بنابراین، برندسازی مؤثر باید بازتاب تجربه واقعی دانشجو باشد، نه صرفاً محصول تبلیغات.

یکی دیگر از یافته‌های این لایه، ضرورت ساماندهی کارگزاران جذب بود. مشارکت‌کنندگان به فعالیت واسطه‌های غیررسمی، نبود پاسخ‌گویی و ارائه اطلاعات غیرواقعی اشاره کردند. این یافته مستقیماً با نتایج Haji Abbasi همسو است که چالش‌های حقوقی، نظارتی و عملکردی مؤسسات جذب دانشجوی خارجی در ایران را برجسته کرده است (Haji Abbasi, 2022). همچنین، در پژوهش‌های سیاستی بر ضرورت ایجاد سازوکار اعتبارسنجی کارگزاران، شفاف‌سازی روابط مالی و توسعه کانال‌های رسمی پذیرش تأکید شده است (Haji Abbasi & Parvin, 2023). بر این اساس، الگوی حاضر پیشنهاد می‌کند نقش کارگزاران از شکل غیررسمی و منفعل به شبکه‌ای رتبه‌بندی‌شده، پاسخ‌گو و مکمل کانال پذیرش مستقیم تغییر یابد.

نقش شبکه فارغ‌التحصیلان و دیپلماسی سلامت نیز از یافته‌های متمایز این پژوهش بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که فارغ‌التحصیلان خارجی می‌توانند پس از بازگشت به کشورهای خود به سفیران علمی دانشگاه تبدیل شوند و از طریق معرفی تجربه مثبت خود، به جذب ارگانیک دانشجویان جدید کمک کنند. این یافته با نتایج مطالعاتی همخوان است که تجربه، رضایت و وفاداری دانشجویان را بخشی از سرمایه برند دانشگاه می‌دانند (Hashemnia & Bagheri Majd, 2020). همچنین، مطالعات جدید در حوزه روابط فرامرزی نشان می‌دهند که تجربه دانشجوی بین‌المللی به شبکه‌های اجتماعی و روابط پایدار میان کشور میزبان و مبدأ گره خورده است و این شبکه‌ها پس از پایان تحصیل نیز می‌توانند تداوم یابند (Raja & Yang, 2025). از این منظر، شبکه فارغ‌التحصیلان نه صرفاً ابزار ارتباطی، بلکه بخشی از چرخه بازتولید اعتماد، شهرت و دیپلماسی علمی دانشگاه است.

در لایه سوم، یافته‌ها بر اهمیت زیست‌بوم حمایتی و رفاهی تأکید داشتند. شرایط اقلیمی خوزستان، کیفیت اسکان، تغذیه، خدمات روان‌شناختی، حمایت فرهنگی و امکان سازگاری با محیط از جمله مؤلفه‌هایی بودند که مشارکت‌کنندگان آن‌ها را برای ماندگاری دانشجو حیاتی می‌دانستند. این یافته با مطالعات جدید درباره سلامت روان و سازگاری دانشجویان بین‌المللی همسو است. Nguyen و McGregor نشان داده‌اند که عزت‌نفس دانشجویان بین‌المللی با تجربه‌های تحصیلی و اجتماعی آنان ارتباط نزدیکی دارد و شرایط دانشگاه میزبان می‌تواند بر سازگاری روان‌شناختی آنان اثر بگذارد (Nguyen & McGregor, 2026). همچنین، Hu و همکاران نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی و تاب‌آوری روان‌شناختی می‌توانند آثار استرس ادراک‌شده و فرسودگی تحصیلی را تعدیل کنند (Hu et al., 2026). بنابراین، حمایت از دانشجوی بین‌المللی باید به‌عنوان بخشی از راهبرد نگهداشت دیده شود، نه یک خدمت جانبی.

یافته‌های مربوط به سازگاری فرهنگی نیز با شواهد موجود همخوانی دارد. Sin و همکاران در مرور مطالعات پس از همه‌گیری کووید-۱۹ نشان دادند که ضعف ادغام اجتماعی و فرهنگی، انزوا و محدودیت شبکه‌های حمایتی می‌تواند تجربه دانشجویان بین‌المللی را به‌شدت تضعیف کند (Sin et al., 2025). همچنین، Raja و Yang نشان دادند که دانشجویان بین‌المللی در زندگی روزمره خود ناگزیر از مذاکره مستمر

میان هویت‌های فرهنگی و روابط فرامرزی هستند (Raja & Yang, 2025). این نتایج از یافته حاضر حمایت می‌کنند که ارائه برنامه‌های منتورینگ فرهنگی، مشاوره چندزبانه، حمایت همتایان و تسهیل تعاملات اجتماعی را برای سازگاری و ماندگاری دانشجو ضروری می‌داند.

لایه چهارم، یعنی هسته تمایزبخش آکادمیک، مهم‌ترین یافته پژوهش در زمینه ویژگی‌های خاص آموزش پزشکی بود. نتایج نشان داد که کیفیت جذب و نگهداشت در دانشگاه علوم پزشکی مستقیماً به کیفیت برنامه درسی، آموزش زبان تخصصی، ارتباط بالینی، ارزشیابی و اعتبار علمی مدرک وابسته است. در این میان، «آموزش فارسی بالینی ادغام‌یافته» یکی از مؤلفه‌های برجسته الگو بود. دانشجویان خارجی ممکن است در دوره علوم پایه بتوانند با زبان انگلیسی یا زبان آموزشی رسمی ارتباط برقرار کنند، اما هنگام ورود به بیمارستان با ضرورت ارتباط مستقیم با بیمار، همراهان بیمار و کارکنان مواجه می‌شوند. مطالعه Jafari نیز نشان داده است که دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های ایران با چالش‌های آموزشی، ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند که می‌توانند عملکرد آنان را محدود کنند (Jafari, 2025). از این رو، آموزش زبان در دانشگاه علوم پزشکی باید به‌جای ارائه عمومی و منفصل، در متن موقعیت‌های واقعی بالینی طراحی شود.

نتایج همچنین بر ضرورت تحول برنامه درسی و استفاده از روش‌های آموزشی فعال تأکید داشت. مشارکت‌کنندگان به اهمیت شبیه‌سازی، یادگیری فعال، ارزشیابی دوزبانه و تناسب محتوا با نیازهای حرفه‌ای کشور مبدأ اشاره کردند. این یافته با نتایج Jaffar همسو است که نشان داد دانشجویان بین‌المللی ممکن است در مهارت‌های تفکر انتقادی و سازگاری با انتظارات آموزشی جدید با دشواری مواجه شوند و برای توسعه این توانایی‌ها نیازمند حمایت هدفمند هستند (Jaffar, 2025). همچنین، بررسی نظام‌مند Kharel و همکاران بر اهمیت ارتباط میان طراحی برنامه آموزشی، مهارت‌های کاربردی و پیامدهای اشتغال تأکید کرده است (Kharel et al., 2026). بر این اساس، برنامه درسی دانشجویان بین‌المللی علوم پزشکی باید علاوه بر استانداردهای داخلی، نیازهای آزمون‌های صلاحیت حرفه‌ای و بازار کار کشورهای مبدأ را نیز مدنظر قرار دهد.

اعتباربخشی بین‌المللی و قابلیت پذیرش مدرک در کشور مبدأ نیز از دیگر یافته‌های مهم بود. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که اعتبار دانشگاه و قابلیت تأیید مدارک، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب دانشگاه دارد. این نتیجه با دیدگاه Chevalier همخوان است که اعتبار و بازده آینده مدرک را از عوامل مهم تصمیم‌گیری دانشجوی بین‌المللی می‌داند (Chevalier, 2022). همچنین، مطالعات داخلی نشان داده‌اند که افزایش جذب دانشجوی خارجی بدون تضمین کیفیت آموزشی و اعتبار دانشگاه نمی‌تواند پایدار باشد (Eynollahi Masoom, 2024; Pour Atashi & Zamani, 2024). بنابراین، حفظ اعتباربخشی، پاسخ‌گویی سریع به استعلام مدارک و هم‌سوسازی برنامه‌ها با استانداردهای حرفه‌ای بین‌المللی باید بخشی از سیاست جذب دانشگاه باشد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی جذب دانشجوی بین‌المللی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز باید از منطق «پذیرش» به منطق «زیست‌بوم جذب و نگهداشت» تغییر یابد. این برداشت با مطالعاتی همسو است که بر ضرورت گذار از فعالیت‌های تبلیغاتی و ظاهری به تحول ساختاری در درون دانشگاه تأکید دارند (Sin et al., 2019). همچنین، یافته‌های داخلی نشان داده‌اند که جذب موفق نیازمند هماهنگی میان عوامل اجرایی، خدمات دانشجویی، کیفیت آموزش، سیاست‌های بین‌المللی و برنامه‌ریزی بلندمدت است (Haji Abbasi & Parvin, 2023; Pour Atashi & Zamani, 2024). از سوی دیگر، مطالعات جدید درباره سلامت روان، ادغام اجتماعی، مهارت‌های شناختی و پیامدهای حرفه‌ای نیز تأکید می‌کنند که موفقیت یک نظام بین‌المللی باید نه بر اساس تعداد پذیرش‌شدگان، بلکه بر اساس کیفیت تجربه، ماندگاری، موفقیت تحصیلی و توانمندی حرفه‌ای دانشجویان ارزیابی شود (Hu et al., 2026; Jaffar, 2025;

(Kharel et al., 2026; Nguyen & McGregor, 2026; Sin et al., 2025). از این رو، نوآوری اصلی الگوی حاضر در آن است که حکمرانی، بازار، رفاه و کیفیت آکادمیک را نه به‌عنوان عناصر مستقل، بلکه به‌عنوان اجزای یک سیستم متقابل و بازخوردی در نظر می‌گیرد. این پژوهش با چند محدودیت همراه بود. نخست، ماهیت کیفی مطالعه و انجام آن در یک دانشگاه علوم پزشکی موجب می‌شود تعمیم مستقیم یافته‌ها به همه دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور با احتیاط صورت گیرد. دوم، تعداد مشارکت‌کنندگان محدود به افرادی بود که بر اساس معیارهای هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند و ممکن است دیدگاه برخی گروه‌های دیگر، مانند دانش‌آموختگان بین‌المللی، خانواده‌های دانشجویان، کارگزاران رسمی جذب یا مسئولان نهادهای بیرون از دانشگاه، به‌طور کامل منعکس نشده باشد. سوم، بخشی از داده‌ها بر تجربه‌ها و ادراکات شخصی مشارکت‌کنندگان متکی بود و امکان تأثیر سوگیری‌های ادراکی یا سازمانی وجود دارد. چهارم، الگوی ارائه‌شده در این مرحله عمدتاً بر شناسایی ابعاد و روابط مفهومی استوار است و سنجش کمّی شدت اثر هر مؤلفه یا آزمون تجربی روابط میان لایه‌های الگو در این مطالعه انجام نشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، الگوی حاصل از این مطالعه با استفاده از روش‌های کمّی و طراحی ابزار استاندارد مورد اعتبارسنجی قرار گیرد و روابط میان ابعاد آن با روش‌هایی مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی شود. همچنین انجام مطالعات چندمرکزی در دانشگاه‌های علوم پزشکی مناطق مختلف کشور می‌تواند میزان ثبات یا تفاوت ابعاد الگو را در بافت‌های جغرافیایی و فرهنگی متفاوت مشخص سازد. بررسی تطبیقی تجربه دانشجویان کشورهای مختلف، مطالعه نقش جنسیت، مقطع تحصیلی و رشته آموزشی در ادراک چالش‌ها و نیز تحلیل دیدگاه فارغ‌التحصیلان بین‌المللی می‌تواند به تکمیل مدل کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های طولی نیز انجام شود تا تغییرات تجربه دانشجویان از مرحله پیش از ورود تا فارغ‌التحصیلی و پس از بازگشت به کشور مبدأ بررسی شود. علاوه بر این، ارزیابی اثربخشی مداخلاتی مانند پنجره واحد خدمات بین‌الملل، برنامه فارسی بالینی، منتورینگ فرهنگی و نظام رتبه‌بندی کارگزاران می‌تواند شواهد تجربی لازم برای پالایش الگو را فراهم سازد.

پیشنهاد می‌شود دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز برای اجرایی‌سازی الگوی پیشنهادی، یک ساختار یکپارچه و دارای اختیار کافی برای مدیریت امور بین‌الملل ایجاد کند و خدمات پذیرش، مالی، اقامتی، کنسولی و رفاهی را در قالب یک پنجره واحد ارائه دهد. طراحی سامانه چندزبانه پذیرش مستقیم، رتبه‌بندی و نظارت بر کارگزاران، شفاف‌سازی شهریه و هزینه‌ها، ایجاد مسیرهای امن پرداخت، تقویت اسکان و خدمات متناسب با شرایط اقلیمی، توسعه مشاوره و منتورینگ چندفرهنگی و راه‌اندازی شبکه فعال فارغ‌التحصیلان خارجی از اقدامات اولویت‌دار است. در حوزه آموزشی نیز پیشنهاد می‌شود آموزش فارسی بالینی از مراحل اولیه ورود دانشجو آغاز و با آموزش بیمارستانی ادغام شود، ارزشیابی‌های بالینی به‌صورت استاندارد و متناسب با نیاز دانشجویان خارجی طراحی شود و استفاده از شبیه‌سازی، یادگیری فعال و آموزش مهارت‌های ارتباطی افزایش یابد. همچنین، پایش مستمر رضایت، ماندگاری، موفقیت تحصیلی و وضعیت حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان باید به‌عنوان شاخص‌های اصلی ارزیابی عملکرد نظام جذب و نگهداشت در نظر گرفته شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

Internationalization has become a strategic priority in contemporary higher education, transforming universities from predominantly national institutions into actors operating within increasingly competitive global academic environments. Among the most visible dimensions of internationalization is the recruitment of international students, which can contribute to scientific diplomacy, cultural diversity, institutional reputation, academic collaboration, and the diversification of university revenues. Nevertheless, international student recruitment cannot be reduced to increasing admission quotas or implementing promotional campaigns. Sustainable recruitment requires a coherent institutional system capable of supporting prospective and enrolled students from the initial stage of university selection through admission, academic participation, sociocultural adaptation, graduation, and post-graduation engagement. International evidence indicates that successful recruitment depends not only on external visibility but also on the capacity of universities to transform their internal structures, educational processes, and support systems in accordance with the needs of international students (Chevalier, 2022; Sin et al., 2019).

International students evaluate a complex combination of academic, economic, institutional, cultural, and social factors when selecting a destination. Institutional reputation, educational quality, tuition fees, living costs, employment prospects, safety, visa procedures, student services, and opportunities for social integration may jointly influence university choice. Effective digital communication, multilingual information provision, targeted marketing, continuous engagement with applicants, and clear presentation of institutional competitive advantages have therefore become increasingly important recruitment strategies (Tattersfield, 2022). At the same time, university branding is not merely a promotional construct. It reflects the interaction between educational quality, student satisfaction, institutional credibility, and loyalty. Evidence from Iranian higher education suggests that effective branding can strengthen international student attraction through enhanced satisfaction and brand loyalty (Hashemnia & Bagheri Majd, 2020).

Iran possesses substantial academic capacity and geographical and cultural advantages for the development of international higher education, particularly in relation to neighboring countries. However, international student recruitment continues to encounter structural, political, administrative, cultural, financial, and organizational barriers. Earlier Iranian studies identified political and cultural constraints, fragmented decision-making, administrative complexity, insufficient infrastructure, and inadequate coordination among responsible institutions as major barriers to international recruitment (Khorasani & Zamani Manesh, 2012; Shafi Zadeh, 2013). Subsequent studies similarly emphasized deficiencies in strategic planning, institutional coordination, support services, and systematic recruitment mechanisms (Fazli Yazd et al., 2019). More recent analyses have highlighted the necessity of moving beyond numerical expansion toward an integrated approach that simultaneously considers educational quality, institutional infrastructure, student welfare, administrative procedures, and long-term retention (Eynollahi Masoom, 2024; Pour Atashi & Zamani, 2024).

Recruitment agencies and intermediaries constitute another important component of this process. Although they may facilitate access to international markets and communication with prospective students, inadequate regulation can generate misinformation, unrealistic expectations, financial problems, and reputational risks. Iranian research has identified weaknesses in the supervision, accountability, and regulation of international student recruitment agencies (Haji Abbasi, 2022). Accordingly, developing transparent relationships with recruitment agents, establishing performance assessment mechanisms, and expanding official direct-admission channels have been recommended as necessary reforms (Haji Abbasi & Parvin, 2023).

Contemporary scholarship increasingly emphasizes that internationalization should also address the broader student experience. International students may experience cultural distance, academic pressure, linguistic barriers, social isolation, financial concerns, and uncertainty regarding their future. The consequences of disrupted social and cultural integration became particularly evident following the COVID-19 pandemic, demonstrating the importance of institutional mechanisms for supporting students' sense of belonging and sociocultural adjustment (Sin et al., 2025). Psychological dimensions are equally relevant. International students' self-esteem may be affected by their academic and social experiences (Nguyen & McGregor, 2026), while social support and psychological resilience can buffer the negative consequences of perceived stress and academic burnout (Hu et al., 2026). Students' adaptation also extends beyond the formal university environment, encompassing everyday social relationships and transnational identity negotiation (Raja & Yang, 2025).

Educational factors are especially important in international medical education. International students may need to adjust to unfamiliar pedagogical expectations, including active participation, independent learning, analytical reasoning, and critical thinking. Evidence suggests that international students may experience difficulties in developing critical thinking when prior educational environments have emphasized more teacher-centered approaches (Jaffar, 2025). Furthermore, educational programs should be aligned with practical skills, professional expectations, and employability outcomes (Kharel et al., 2026). These concerns become more complex in medical universities because students must participate directly in clinical environments, communicate with patients and healthcare teams, and demonstrate professional competencies. Studies in Iranian universities have documented educational, communication, cultural, and social challenges among international students, indicating a need for targeted institutional support (Jafari, 2025). Against this background, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences requires a context-sensitive model capable of integrating governance, recruitment, welfare, cultural adaptation, clinical education, linguistic competency, and international academic credibility. Accordingly, the present study aimed to design a comprehensive model for the sustainable attraction and retention of international students at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences.

Methods and Materials

This applied study adopted a qualitative research approach to develop a context-specific model for international student attraction and retention at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. The participant population consisted of senior and executive managers in international affairs, educational administrators, faculty members involved in international education and clinical training, financial and welfare personnel, and international students with direct experience of the university's academic and support systems. Participants were selected initially through purposive maximum-variation sampling to ensure representation of different organizational and experiential perspectives,

followed by snowball sampling. Recruitment continued until theoretical saturation was reached at the eleventh interview.

Data were collected through in-depth semi-structured interviews lasting approximately 45 to 75 minutes. Interviews explored participants' experiences and perceptions regarding institutional governance, recruitment processes, marketing, educational quality, clinical communication, financial arrangements, consular procedures, accommodation, cultural adaptation, and student retention. All interviews were recorded with appropriate permission, transcribed verbatim, and analyzed systematically.

Data analysis followed a thematic approach involving familiarization with the data, initial coding, development and revision of themes, thematic organization, and interpretation. MAXQDA software was used to facilitate coding and data management. The analysis progressed from initial codes to broader categories and subsequently to major themes. The final themes were organized into systemic levels representing the principal dimensions of sustainable international student recruitment and retention. Trustworthiness was enhanced through member checking of selected transcripts, peer review by researchers familiar with qualitative methodology, systematic documentation of analytical decisions, and attention to credibility, transferability, dependability, and confirmability throughout the research process.

Findings

Analysis of the interview data resulted in 10 major themes and 30 subthemes organized around the central category of sustainable international student attraction and retention. The ten major themes were governance, policy-making, and international executive management; scientific marketing, branding, and recruitment-agent management; curriculum transformation and pedagogical adaptation; specialized language education and clinical communication; quality of clinical education and innovation in assessment; international accreditation and degree recognition; educational economics, financial management, and foreign-exchange transactions; welfare support and climatic-cultural adaptation; consular services, supportive security, and residency affairs; and social capital, alumni networks, and health diplomacy.

Selective organization of these themes produced a four-layer systemic model. The first layer, termed "drivers and enabling conditions," incorporated governance and management, educational economics and financial mechanisms, and consular and residency services. Findings indicated that bureaucratic fragmentation, limited executive authority, unstable financial mechanisms, difficulties in international payments, and time-consuming residency procedures could discourage applicants before or shortly after enrollment. Establishing an integrated international one-stop service, strengthening executive authority, providing transparent financial procedures, and adopting supportive approaches to residency and security were therefore identified as fundamental enabling conditions.

The second layer, "market interaction and attraction capacity," comprised scientific marketing and recruitment-agent management together with alumni networking and health diplomacy. Participants reported excessive dependence on traditional neighboring markets, inadequate multilingual digital promotion, and insufficient oversight of informal recruitment intermediaries. Strategic segmentation of target markets, formal evaluation of recruitment agents, multilingual branding, and systematic engagement with international alumni were identified as mechanisms for strengthening the university's regional position and generating sustainable, reputation-based recruitment.

The third layer, "supportive and welfare ecosystem," focused on accommodation, psychological and cultural support, and climatic adaptation. Participants emphasized that the particularly hot climate of

Khuzestan, dust events, accommodation quality, nutritional requirements, social adjustment, and psychological wellbeing could influence international students' willingness to remain at the university. Climate-responsive facilities, multilingual counseling, cultural mentoring, and improved welfare infrastructure were therefore considered essential components of retention.

The fourth layer, "distinctive academic core," consisted of curriculum transformation, clinical Persian-language education, quality of clinical teaching and assessment, and international accreditation. A major finding was the existence of a linguistic discontinuity between preclinical learning and hospital-based education. General Persian-language courses were regarded as insufficient for history-taking, patient communication, and interaction with clinical teams. Integrated clinical Persian instruction, bilingual clinical assessments, simulation-based learning, active teaching methods, curriculum adaptation, and maintenance of internationally recognized academic standards were identified as necessary for protecting educational quality, professional competence, degree credibility, and patient safety.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that sustainable international student recruitment in a medical university is not a single administrative activity but a dynamic institutional ecosystem. The proposed model indicates that recruitment begins before formal application and continues throughout the student's academic, social, and professional experience. Administrative efficiency, financial transparency, marketing credibility, welfare support, educational quality, and professional recognition are mutually dependent rather than isolated institutional functions.

The four-layer structure also highlights the distinctive requirements of medical education. Although governance, marketing, financial accessibility, and welfare services are important across higher education, medical universities face additional responsibilities arising from clinical training, patient interaction, professional assessment, and degree recognition. Consequently, linguistic competency in the clinical setting is not merely an adaptation issue; it has implications for learning quality, communication accuracy, professional competence, and patient safety. Integrating specialized Persian-language education into clinical training therefore represents a central feature of the proposed model.

Another important implication is that attraction and retention should be treated as a continuous cycle. Effective marketing may increase initial applications, but weak administrative processes or inadequate welfare services can result in withdrawal and dissatisfaction. Similarly, efficient admission procedures cannot compensate for poor clinical education or uncertainty regarding degree recognition. The model therefore emphasizes continuous feedback among its layers. Positive student experiences can subsequently strengthen institutional reputation, alumni engagement, word-of-mouth communication, and regional health diplomacy, thereby contributing to future recruitment.

The findings further suggest that success should not be evaluated solely through the number of admitted international students. More meaningful indicators include student retention, satisfaction, sociocultural adaptation, academic achievement, clinical competency, professional outcomes, degree recognition, and long-term alumni engagement. This perspective shifts internationalization from a short-term revenue-oriented strategy toward sustainable institutional development.

In conclusion, the proposed model conceptualizes international student attraction and retention at Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences as an integrated four-layer system consisting of enabling governance and administrative conditions, market interaction and external attraction, a supportive welfare ecosystem, and a distinctive academic core. Coordinated implementation of these components can strengthen recruitment sustainability, improve international students' educational

and social experiences, protect the quality and safety of clinical education, enhance professional competence, and reinforce the university's regional academic standing. The model can provide a practical framework for institutional planning while also serving as a basis for subsequent quantitative validation and evaluation in other medical universities.

References

Chevalier, A. (2022). How to Attract International Students? *IZA World of Labor*, *36*. https://doi.org/10.15185/izawol.36.v.2

Eynollahi Masoom, B. (2024). Attraction and education of international students in Iranian universities: Pathology, prerequisites, and requirements. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, *30*(4), 1-19. https://doi.org/10.61838/KMAN.IRPHE.30.4.1

Fazli Yazd, H., Zamani, A., & Pour Atashi, M. (2019). Attracting international students in the Iranian higher education system and its challenges. *Rahyaft*, *74*, 45-60. https://rahyaft.nrisp.ac.ir/article_13768.html?lang=en

Haji Abbasi, H. (2022). Challenges of international student recruitment agencies in Iran. *Science and Technology Policy Letter*, *12*(4), 112-125. https://stpl.ristip.sharif.ir/article_23113.html?lang=en

Haji Abbasi, H., & Parvin, E. (2023). *Challenges and solutions for attracting international students in Iran*. https://report.mrc.ir/article_9600.html?lang=en

Hashemnia, E., & Bagheri Majd, R. (2020). The Effect of Branding on Attracting International Students with the Mediating Roles of Satisfaction and Brand Loyalty in Higher Education. *Public Management Research*, *13*(48), 265-292.

Hu, F., Yaacob, N. R. N., & Zhang, F. (2026). Perceived stress and academic burnout among Chinese higher vocational students: The mediating roles of social support and psychological resilience. *Journal of International Students*, *16*(3), 109-128. https://doi.org/10.32674/1rhza525

Jafari, S. (2025). Identifying challenges faced by international students in public universities of Tehran. *Strategies in Medical Education Journal*, *18*(2), 59-66. https://dergipark.org.tr/en/pub/hegp/article/1653550

Jaffar, K. (2025). Critical Thinking Skills: Challenges Faced by International Students in Finance and Accounting Degrees. *Journal of Interdisciplinary Studies in Education*, *14*(2), 176-196.

Kharel, S., Dahal, R. K., & Joshi, S. P. (2026). Vocational Education and Training Program Design and Employability Outcomes: A Systematic Review and Bibliometric Analysis of School-to-Work Outcomes. *Journal of International Students*. https://doi.org/10.32674/vf68ec63

Khorasani, A., & Zamani Manesh, H. (2012). Political and cultural barriers affecting the attraction of international students. *Cultural Engineering Quarterly*, *7*(69), 126-143. https://www.magiran.com/paper/1071217/cultural-and-political-obstacles-affecting-the-enrollment-of-international-students?lang=en

Nguyen, T. D., & McGregor, M. (2026). International higher education students' self-esteem: A systematic review. *Journal of International Students*, *16*(3). https://doi.org/10.32674/84anxm91

Pour Atashi, M., & Zamani, A. (2024). Rethinking the increase of international student recruitment based on analyzing the perspectives of students and higher education experts. *Center for Studies and Development of Medical Sciences Education*, *1*(1), 1-15. https://en.civilica.com/doc/1942333/

Raja, R., & Yang, M. (2025). Negotiating Everyday Transnationalism: A Qualitative Inquiry Into the Marital Lives of International Students in China and Their Chinese Partners. *Global Networks*, *25*(4). https://doi.org/10.1111/glob.70030

Shafi Zadeh, H. (2013). Investigating the main challenges and strategies for attracting international students in Iran (using the focus group technique). *Strategic Studies Quarterly*, *22*(69), 247-262. https://rahbord.csr.ir/article_124514.html?lang=en

Sin, C., Tavares, O., Apsite-Berina, E., Borràs, J., Bulut-Sahin, B., Chrančoková, M., & Zayim-Kurtay, M. (2025). The impact of COVID-19 on the social and cultural integration of international students: a literature review. *Comparative Migration Studies*, *13*(1), 1-23. https://doi.org/10.1186/s40878-025-00425-3 10.1186/s40878-025-00429-z

Sin, C., Tavares, O., & Cardoso, S. (2019). Portuguese Institutions' Strategies and Challenges to Attract International Students: External Makeover or Internal Transformation? *Journal of International Students*, *9*(4), 1095-1114. https://doi.org/10.32674/jis.v9i4.185

Tattersfield, K. (2022). *10 Marketing Strategies to Attract International Students*. https://www.leadsquared.com/attract-international-students/